



جنگ ایران و عراق از منظر جامعه‌شناسی

جنگ ایران و عراق همانند سایر پدیده‌های سیاسی - اجتماعی، ابعاد و سطوح گوناگونی دارد و تحت تأثیر عواملی، شکل گرفته و در بستری تداوم یافته و به پایان رسیده است. پدیده‌های اجتماعی از جنبه‌های گوناگون قابل مطالعه هستند. جوامع دانشگاهی و مراکز پژوهشی برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی، از جمله جنگ‌ها، از منظرهای متفاوتی به آنها نگاه کرده و مطالعه می‌کنند. آنها به رشته‌های متفاوتی تقسیم شده و در قالب هر یک از آنها نظریه‌های متعددی مطرح شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. علوم نظامی و راهبردی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، علوم اقتصادی و مدیریتی و ... از جمله رشته‌هایی هستند که در سطح دانشگاهی مطرح هستند و به مطالعه مسایل و موضوعات مورد نظر می‌پردازند.

جنگ، پدیده‌ای اجتماعی و از باورها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد جوامع متأثر است. نیروهای اجتماعی با شرکت در جنگ، بستر لازم را برای پیدایش آن فراهم می‌آورند و از طریق مخالفت و بی‌تفاوتی در برابر آن روند آن را به سمت متفاوتی سوق می‌دهند. باورهای مذهبی و تاریخی، مردم را برای انجام اقداماتی تحریک کرده و جهان را به اردوگاهی متفاوت برای اقدام آماده می‌سازند. جامعه‌شناسی علم مطالعه باورها و رفتار و نیروها و بسترهای اجتماعی است. نیروهای اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر شکل‌گیری، شروع، تداوم و پایان جنگ‌ها مؤثرند.

جنگ عراق علیه ایران یک پدیده اجتماعی است که نیروهای گوناگون اجتماعی در آن مؤثر بوده‌اند. این پدیده، سطوح و ابعاد گوناگونی داشت و تحت تأثیر تحولات اجتماعی متحول شده و روندهای متفاوتی را طی نمود.

جنگ ایران و عراق گنجینه‌ای برای درک رفتارها، سیاست‌ها، فرایندها و پیامدهای آن است. تحلیل این جنگ به یکی از رشته‌ها و حوزه‌ها محدود نمی‌شود. به عبارتی، این جنگ یک پدیده چند وجهی است که مطالعه آن نیز باید از منظرهای متعدد صورت گیرد. رشته‌ها، روش‌ها، و نظریه‌های گوناگون می‌توانند جنگ ایران و عراق را مورد مطالعه قرار داده و دستاوردهای ارزشمندی در شناخت بهتر این جنگ و آزمون نظریه خود داشته باشند.

در طی سال‌های گذشته، صاحب‌نظران بر حسب رشته تحصیلی یا حوزه مورد علاقه‌شان به تجزیه و تحلیل جنگ پرداخته و دستاوردهایی را داشته‌اند. برخی از ابعاد جنگ بیشتر مورد توجه بوده و برخی پوشیده مانده است. یکی از رشته‌هایی که کمتر در موضوع جنگ ایران و عراق وارد شده و به بررسی آن پرداخته، رشته جامعه‌شناسی است؛ در حالی که ابعاد اجتماعی و جامعه‌شناختی جنگ بسیار چشم‌گیر بوده و عوامل اجتماعی در شکل دادن به آن موثر و پیامدهای اجتماعی آن قابل توجه بوده است. این غفلت را نمی‌توان به نقض در روش‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی نسبت داد. این رشته یکی از رشته‌های نسبتاً پیشرفته علوم اجتماعی است. اما جدا از چرایی عدم توجه به جنگ از این منظر، که موضوع ارزشمندی برای مطالعه است، نگاه و ارزیابی جامعه‌شناسانه از جنگ ایران و عراق اقدامی ارزشمند در درک و شناخت جنگ است.

جنگ ایران و عراق ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی عمیقی دارد. این موضوع هم در بسترهای شکل‌گیری و بروز جنگ و هم در فرایند آن قابل مشاهده است. اغلب اندیشمندان و صاحب‌نظران در بررسی علل بروز جنگ به تفاوت مذهبی، قومی و نژادی جنگ تحمیلی توجه می‌کنند و آنها را عوامل موثر در حمله گسترده عراق به ایران می‌دانند. در یک نگاه اجمالی، جنگ هدیه هستی هر فرد برای تأمین اهداف اجتماعی است و چنین رفتاری متأثر از باورها و ارزش‌ها شکل گرفته و در بستر اجتماعی بروز می‌یابد. در طول جنگ ایران و عراق این گونه رفتارها به شکل فردی و جمعی به صورت‌های گوناگون و گسترده بروز یافتند و نیروی پیش‌برنده در جنگ بودند. تأمین اهداف اساسی جنگ بدون حمایت و پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم مردم میسر نبود. حمایت یا مخالفت مردم در جنگ موضوعی کلیدی است. بدون پشتوانه مردمی، جنگ نمی‌تواند به جایی برسد و اهداف مورد نظر را تأمین کند و از تجاوز دشمن جلوگیری نماید. سنگینی جنگ بر دوش مردم است و میزان تحمل آنها به باورها، ارزش‌ها، و نگرش آنها به جنگ بستگی دارد. بدون حمایت مردم از سیاست‌ها و اقدامات مسوولان جمهوری اسلامی ایران، حمله گسترده عراق به ایران می‌توانست روند دیگری را طی کند و پیامدهای تخریبی فراوانی داشته باشد.

هشت سال دفاع از میهن اسلامی بر باورها و ارزش‌های اجتماعی ایرانیان تأثیر گذاشته و پیامدهای فرهنگی اجتماعی قابل توجهی در پی داشت. به رغم پایان عملیات نظامی و دشمنی میان دو کشور و حتی پایان نظام سیاسی عراق پیامدهای اجتماعی این جنگ همچنان تداوم یافته است. جنگ‌ها آثار اجتماعی دامنه‌داری دارند که با پایان جنگ خاتمه نمی‌یابند و فضای سیاسی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بررسی این موضوعات نیازمند استفاده از دانش جامعه‌شناسی و نظریه‌های رایج در این رشته مطالعاتی است. همچنان که ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی آن با بهره‌گیری از روش‌های معرفتی این رشته‌ها انجام می‌شود.

جنگ ایران و عراق تاکنون بیشتر از منظر سیاسی و نظامی مورد بررسی قرار گرفته است. مسوولان فصلنامه تخصصی دفاع مقدس، نگین ایران، در طول بیش از ۸ سال انتشار مجله تلاش کرده‌اند به جنگ از منظرهای دیگر هم نظر ببینانند و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. در شماره‌های گذشته، جنگ از منظر اقتصادی مورد توجه قرار گرفت؛ با استفاده از نظریه‌های روابط بین الملل این بعد از جنگ با نگاهی متفاوت بررسی شد. در این شماره تمرکز مقالات بر بررسی جنگ از منظر جامعه‌شناسی، به ویژه جامعه‌شناسی سیاسی است.

مقاله نخست این شماره به تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر جنگ بر شکل‌گیری و تکوین هویت ایرانیان می‌پردازد. جامعه‌پذیری یکی از مباحث اساسی جامعه‌شناسی است که در آن فرایند درونی شدن ارزش‌ها و باورها مورد توجه قرار می‌گیرد. در این مقاله نویسنده تلاش می‌کند در دو سطح داخلی و بین‌المللی تأثیر هویت فرهنگ ایرانی بر جنگ و تأثیرات جنگ بر تکوین هویت ایرانی را بررسی کند. فرضیه نظری مقاله این است که در میان سه دستگاه معرفت‌شناسی علم همچون، ابطال‌گرایی پوپر، پارادایم کوهن و برنامه پژوهشی لاکاتوش، سومی بیش از سایر مکاتب فلسفه علم می‌تواند هویت ایرانی را به مثابه یک برنامه پژوهشی توضیح داده و جنگ ایران و عراق را به عنوان بخش مهم این هویت و تکمیل‌کننده آن به رسمیت بشناسد. از نظر نویسنده هویت ایرانیان در جریان جنگ ایران و عراق به عنوان یکی از تحولات مهم سیاسی اجتماعی جامعه بازسازی و بازتولید شد. بعد از جنگ، هویت ایرانی ضمن استمرار، تفاوت‌هایی نیز با هویت قبلی پیدا کرد که نشان دهنده میزان تأثیرگذاری جنگ در جامعه‌پذیری و هویت ایرانیان است.

بررسی جنگ ایران و عراق از منظر جامعه‌شناختی، عنوان مقاله دوم این مجموعه است. این مقاله با استفاده از ساختاریابی گیدنز در جامعه‌شناسی، کارگزاری رژیم عراق را در تعامل با ساختار داخلی و منطقه‌ای در آستانه جنگ تحمیلی و تعامل کارگزاری جمهوری اسلامی را با ساختار معنایی در طول جنگ تحمیلی و سپس تعامل کارگزاری آمریکا را با ساختار نظام بین‌الملل در خاتمه جنگ مورد بررسی قرار می‌دهد. کارگزاری کنش‌گران در درون محدودیت‌های ساختاری میسر می‌شود و خود این کارگزاری‌ها به بازتولید ساختارها می‌انجامند. جنگ ایران و عراق یک کنش جمعی انسانی بود که آغاز، سیر تحول و پایان آن، محصول کارگزاری بازیگران دخیل، در درون محدودیت‌ها و امکان‌پذیری‌های ساختاری در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بود. در این نوشته تلاش شده در طول جنگ، تعامل و محدودیت‌ها و فرصت‌ها و تأثیر متقابل ساختار و کارگزارها بر یکدیگر نشان داده شده است.

در بررسی‌های جامعه‌شناسانه، بازیگری و تأثیر نیروهای اجتماعی بر فرایند پدیده‌ها مورد توجه است. در مقاله سوم، مشارکت زنان ایرانی در جنگ ایران و عراق بررسی شده است. افزایش مشارکت زنان در جنگ به شدت از فرهنگ انقلابی متأثر بود که در جریان انقلاب اسلامی شکل گرفته بود. مقاله با این فرض به ارزیابی میزان نحوه مشارکت زنان در جنگ تحمیلی می‌پردازد و بر این باور است که جنگ موجب افزایش حضور زنان در عرصه اجتماعی ایران شد.

سه مقاله پایانی این شماره فصلنامه موضوعات متعددی را بررسی کرده‌اند. مقاله نخست، به تحلیل کمک‌های مالی و قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه به عراق می‌پردازد. مقاله دوم به ریشه‌یابی جنگ عراق و ایران پرداخته و آن را با توجه به مفهوم فضای حیاتی و جایگاه آن در استراتژی صدام توضیح داده است. نویسنده، محدودیت‌های ژئوپلیتیکی عراق را عامل بنیادی در راهبرد عراق در تجاوز به همسایگان خود می‌داند که در زمان‌های مختلف به شکل متفاوتی بروز می‌کند.

مقاله پایانی فصلنامه ننگین ایران و بخش اسناد به موضوع بکری به نام جنگ آب اختصاص دارد که در حوزه‌های دانشگاهی کمتر شناخته شده است. در آغاز جنگ و پیشروی ارتش عراق در جبهه جنوب، نیروهای مسلح و مردمی ایران متوجه شدند که با استفاده از آب موجود در منطقه می‌توانند موانعی را بر سر راه پیشروی نیروهای زرهی و پیاده عراق ایجاد کنند و از سرعت آن بکاهند. مقاله حاضر در قالب دو بخش نظری و تجارب ایران در جنگ آب، اصول، مبانی، و اقدامات انجام شده نیروها و یگان‌های مهندسی را توضیح می‌دهد. در بخش پایانی نیز، این موضوع از منظر اسناد موجود در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس مورد توجه قرار گرفته است.